

تحلیل مضمون سخنان فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

محمد رحیم عیوضی^۱

صفیه رضایی^۲

چکیده

ریشه‌ی چالش‌های جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و تمدن غربی در اندیشه متفکرین و استراتژیست‌های غربی عمیق‌تر است. تا جایی که گفته‌ها و مواضع آن‌ها گاه فراتر از مسائل سیاسی تعبیر می‌شود و نوعی مقابله با گفتمان و تمدن اسلامی است. با توجه به اهمیت این مسئله، در مقاله‌ی حاضر تلاش می‌شود با معرفی فرانسیس فوکویاما، متفکر آمریکایی، به بررسی نظریات و سخنان وی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. برای پیشبرد این پژوهش از روش تحلیل مضمون و برای گردآوری داده‌ها از ابزار فیش‌برداری از منابع مختلف استفاده شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که فرانسیس فوکویاما چه موضعی علیه جمهوری اسلامی ایران دارد و هدف از طرح این مواضع چیست؟ یافته‌های تحقیق مؤید آن است که ریشه‌های فکری موضع‌گیری فوکویاما در قالب تقابل نرم با جمهوری اسلامی ایران و ناشی از اسلام‌هراسی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی، فوکویاما، تحلیل مضمون

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Email: Danesh.mr@yahoo.com

Email: safiye.rezaee@gmail.com

۱. استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

۲. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی گرایش آینده پژوهی

انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) ID: 0000-

0002-2559-3362

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ی موفق از انقلابی مردمی است که بسیاری از کشورها به آن ادعان کرده‌اند. وقوع چنین انقلابی با ثمرات مثبتی که بر دیگر ملت‌های مسلمان ستم‌دیده بر جای گذاشت، همواره مورد نقد و تحلیل است. ویژگی استکبارستیزی و انزجار از ابرقدرت‌ها با حفظ اصل استقلال و آزادی نیز از مواردی است که همواره محل توجه ناقدان و تحلیل‌گران بوده است. تا جایی که می‌توان جمهوری اسلامی ایران را از معدود نظام‌های سیاسی دانست که بیشترین نقدها، تحلیل‌ها و حملات رسانه‌ای معاندین را تحمل کرده است. این امر از دیرباز نسبت به نقد شاکله‌ی انقلاب اسلامی آغاز و همزمان با مشی استقلال‌خواهی و استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد نقد دولت‌ها، دشمنی با ارکان نظام، تفرقه‌افکنی و آشوب در طول دهه‌ها نمایان شده است. نبرد جمهوری اسلامی با تمدن غرب باعث پیدایش تحلیل‌های مختلفی از جانب مفسرین غربی شده است. تحلیل‌هایی که زنجیره‌وار جمهوری اسلامی ایران را دشمن تمدن غربی می‌خوانند و با نگاه و عقیده‌ی خود جایگزین‌هایی برای آن تجویز می‌کنند. این رویکرد از هنگامه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و در طول چند دهه از عمر جمهوری اسلامی بارها تکرار شده است، چراکه انقلاب اسلامی با شکست رژیم پهلوی که دست‌نشانده و مورد حمایت آمریکا بود، این پیام را به دیگر کشورها منعکس کرد که نه‌تنها امکان ایستادگی در برابر ابرقدرت‌ها را دارد بلکه در عمل می‌تواند الگوی دیگر ملت‌های ستم‌دیده برای رهایی و آزادی باشد. (مرادی و محمدی خانقاهی، ۱۳۹۹: ۵۳) بنابراین، انقلاب اسلامی ایران نشان داد که صرفاً سازنده‌ی یک نظام سیاسی نیست بلکه، قابلیت ایجاد تحول در نظم منطقه‌ای و حتی جهانی را دارد. به‌واسطه‌ی چنین راهبردی، نه‌تنها از حجم دشمنی‌ها و خصومت غربی‌ها کاسته نشده که به دلیل روی‌گردانی جمهوری اسلامی از تمدن غربی و دشمنی با آمریکا بیشتر نیز شده است. به‌علاوه، شرایط حاکم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زمینه‌ی اظهارنظرها درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران را از جانب مفسرین غربی بیشتر کرده است. بن‌مایه‌ی تفاسیر و تحلیل‌های ناهمسو با انقلاب اسلامی ایران حکایت از آن دارد که این انقلاب، رقیب اصلی تفکر لیبرال است و از آنجاکه داعیه‌دار احیا و بسط تمدن نوین اسلامی می‌باشد، دشمن اصلی تمدن غربی به‌حساب می‌آید. ترویج چنین نگاهی به دلیل تمایز قائل شدن برای انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی متمایز از دیگر جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی است. (ثابتی منفرد و نجفی،

۱۳۹۹: ۱۱۲) احساس چنین خطری زمینه‌ساز طرح دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. در این حال، یکی از مفسرین غربی که موضع‌گیری‌های زیادی علیه جمهوری اسلامی ایران دارد، فرانسیس فوکویاما است. نوشته‌ی حاضر، ضمن معرفی و بازخوانی نظریات فوکویاما، تحلیل مضمون سخنان این تحلیل‌گر غربی علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود. هدف اصلی این تحقیق، واکاوی و تحلیل ریشه‌های فکری فوکویاما درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران ذیل این سؤال است که فرانسیس فوکویاما چه مواضعی علیه جمهوری اسلامی ایران دارد و هدف از طرح این مواضع چیست؟

۱. چارچوب مفهومی و مباحث بنیادین

۱.۱. انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران انقلابی فراگیر هم به لحاظ هدف‌ها و آرمان‌ها و هم به لحاظ ماهیت مردمی است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۵) این انقلاب در کنار اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی، هدفی اسلامی و مذهبی بود. مبارزه‌ی ملت ایران تنها قیام علیه استیلای سیاسی، استعمار اقتصادی، استبداد داخلی، فقدان توسعه، جدایی دین از سیاست، نظام طبقاتی و فرهنگ و ایدئولوژی‌های غربی نبود، بلکه انقلابی علیه همه‌ی این‌ها و به‌منظور استقرار نظام مستقل، اسلامی، مردمی و ملی بود. انقلابی که در تمامی شعارهای آن مظهر فرهنگ و هویت زده‌شده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۶)، ضمن اینکه تغییر نظم بین‌الملل را نیز دنبال می‌کند. براساس نوشته‌های «مارک گازیوروسکی» محقق آمریکایی، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی در فضای بین‌المللی این بود که در مقابل «روابط دست‌نشانده‌ی» علامت سؤالی جدی قرار داد. او در این ارتباط می‌نویسد: «انقلاب ایران پیامدهای بسیار زیانباری برای امنیت ملی آمریکا داشت. اصلی‌ترین پیامد آن حذف یک متحد مهم آمریکا بود که چون ضربه‌گیری بین شوروی و خلیج‌فارس خدمت می‌کرد. همین‌که رژیم پس از انقلاب تثبیت شد، جنبش‌های اسلامی الهام گرفته و اغلب مورد پشتیبانی رژیم جدید در سراسر جهان اسلام سربلند کردند». (گازیوروسکی، ۱۳۷۳: ۳۷۱) همچنین انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و در حقیقت مردمی‌ترین انقلاب‌ها بوده است که توجه ملت‌ها را بیشتر به خود جلب نموده و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است، تا جایی که ملل دیگر با نگرشی مثبت از آن استقبال کرده‌اند. (خرمشاد، ۱۳۷۶: ۴۶) براساس دیدگاه نویسندگان کتاب «ایران در قرن بیستم»، «ایران پس از انقلاب اسلامی در پایان قرن بیستم عناصر تشکیل‌دهنده هویت سیاسی و

فرهنگی خود را به نوبت تحت اختیار درآورده و تحکیم کرده است: جایگاهش در صحنه بین‌المللی، قدرت احساسات ملی، سرزندگی فرهنگ فارسی، تسلط مذهب شیعه؛ این مرحله از تاریخ ایران به گسترش فکر استثنایی بودن ایران در جهان مسلمان کمک کرده و در عین حال جایگاه خاص و جانسین‌ناپذیر اسلام در هویت ایرانی را یادآوری کرده است.» (پیردیگار، هورکاد و ریشار، ۱۳۷۸: ۵۰۹-۵۱۱) «یرواند آبراهامیان» نیز بر همین نکته تأکید دارد که ایران پس از انقلاب هویت اصیل خود را احیا کرد. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۸) بنابراین انقلاب اسلامی ایران از آن رو بسیار مورد توجه تفسیرگران و محققان قرار می‌گیرد که در عین دارا بودن ماهیت عمیق و جامع، قدرت تأثیرگذاری بالایی بر ملل دیگر دارد. به عبارتی گستره‌ی اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران توجه تحلیل‌گران را بیش از دیگر انقلاب‌ها معطوف به آن کرده است.

۲.۱. تأملی بر دیدگاه و نظرات فرانسیس فوکویاما

شهرت جهانی «یوشی هیرو فرانسیس فوکویاما» به دلیل طرح نظریه پایان تاریخ و همچنین سخنان و مواضعی است که در این راستا مطرح کرده است. وی استاد دانشگاه جان هاپکینز و فیلسوف سرشناس آمریکایی و نویسنده‌ی کتاب پایان تاریخ و آخرین انسان است. بر مبنای نظریه پایان تاریخ، نظام لیبرال دموکراسی به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به صورت جریان غالب و مسلط درآمد که همه‌ی کشورها باید در برابر آن تسلیم شوند. به عبارتی فوکویاما در این نظریه معتقد است که آخرین تلاش‌ها و مبارزه‌های ایدئولوژیک مختلف در لیبرال دموکراسی معنا می‌شود. بنابراین لیبرال دموکراسی بهترین نظام سیاسی است که بدیلی برای آن وجود ندارد. فوکویاما در شرح نظریه خود می‌نویسد: «دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع است و تاریخ بشریت نیز مجموعه‌ای منسجم و جهت‌دار است که بخش عظیمی از جامعه بشری را به سمت نظام دموکراسی لیبرال سوق می‌دهد (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۲) فوکویاما در این نظریه با حفظ نگاه کمال‌گرایانه و تکامل‌گرایانه خود معتقد است تلاش ذاتی و تاریخی انسان برای کمال‌گرایی در چارچوب لیبرال دموکراسی به پایان می‌رسد. به عبارتی نظریه فوکویاما نظریه مشروعیت بخشی به الگوها و ساختارهای غربی در جهان است. به باور او، تولید کالای مطلوب، تولید فکر و اندیشه تحت لوای بینش غربی است. نظریه فوکویاما- به باور صاحب‌نظران و کارشناسان- قبل از اینکه ادعای علمی باشد، نوعی نگاه آرمانی و تجویزی برای سیاستمداران تلقی می‌شد. باین‌حال

وی پس از گذشت ۲۰ سال از طرح نظریه پایان تاریخ اعلام کرد که جهت تاریخ به سمت لیبرال دموکراسی نیست. وی ادعا کرد به واسطه برخی ضعف‌های این نظام از جمله ضعف در ایجاد هویت مشترک، ظهور نشانه‌های مازاد تولید و ایجاد شکاف طبقاتی چشمگیر، اقتصاد جهان نیازمند بازگشت سوسیالیسم است. از نگاه فوکویاما نشانه‌های این خلأ هویتی، تغییرات سیاسی علیه جهانی شدن در کشورهایمانند آمریکا و انگلستان در سال‌های اخیر بوده است.

فوکویاما در کتاب «هویت؛ تقاضای کرامت و سیاست نفرت» مشکل سیاست هویت در غرب را تمرکز بر گروه‌های حاشیه‌نشین جدید و محدود، به قیمت بی‌توجهی به گروه‌های قدیمی و بزرگ، تهدیدش برای گفتمان عقلانی با بها دادن به تجربیات عاطفی و البته تبدیل شدنش به کاتالیزور بسیج سیاسی در جناح راست در قالب پوپولیسم رادیکال می‌داند. (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۴۵)

وی در کتاب نظم و زوال سیاسی معتقد است در دهه‌های اخیر توسعه سیاسی آمریکا مسیر معکوسی را در پیش گرفته و دولت به‌دولتی ضعیف‌تر با کارایی کمتر و فساد بیشتر تبدیل شده است. از نظر وی آمریکا نیاز به تغییر دارد و بدون تغییر، زوال آن حتمی است. از نظر وی، میان دولت، حکومت دموکراتیک و حاکمیت قانون همواره تنش و تعارض وجود دارد و برقراری تعادل بین این سه مؤلفه چالش اصلی دموکراسی‌ها است. (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۶۲) پیش‌از این کتاب، او در مقاله «حکمرانی چیست» در سال ۲۰۱۳، خواهان گذر از پارادایم دموکراسی شده بود. وی با ارائه شواهدی زوال نهادها و گسترش ویژه خواری و حامی پروری را زوال سیاسی نهادهای دموکراتیک قلمداد می‌کند. فوکویاما با ارائه‌ی چارچوب‌های توسعه، معتقد است که در نهادهای دموکراتیک نیز زوال و نابودی اتفاق می‌افتد. این تغییر نگاه باعث شد که فوکویاما از یک فیلسوف کمال‌گرا به یک فیلسوف آینده‌گرا یا حتی واقع‌گرا تبدیل شود. همین تغییر مواضع باعث شهرت وی در مجامع علمی نیز شد و البته موافقان و مخالفانی با خود به همراه داشت.

۳.۱. چرایی مواضع فوکویاما نسبت به جمهوری اسلامی ایران

فوکویاما همچون استاد خود هانتینگتون به نبرد تمدنی اسلام و غرب اعتقاد دارد و در نظریه پایان تاریخ نیز تلاش کرده که برتری غرب و نظام لیبرال دموکراسی را توجیه سازد. هر چند وی از این نظریه عقب‌نشینی کرد، اما بخش‌های دیگر نظریه‌اش به‌ویژه در قسمتی که بر تضاد اسلام و غرب تأکید می‌کند مورد بازنگری قرار نگرفته است. (ثابتی منفرد و نجفی،

۱۳۹۹: ۱۱۰) ضمن اینکه اصل چالش بین اسلام و غرب را بیش از تضاد سیاسی متعارف قلمداد می‌کند، این نگاه تبدیل به نوعی اسلام هراسی نیز شده است؛ تا جایی که هر نوع جنبش و نهضت اسلامی را تهدیدی علیه تمدن غرب قلمداد می‌کند. در این میان نگاه به انقلاب اسلامی ایران و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است، چراکه این انقلاب را متفاوت از نهضت‌های اسلامی دیگر می‌داند. جمهوری اسلامی ایران به نوعی، احیاگر اسلام سیاسی قرن بیستمی است که از آن به رقیب دموکراسی غربی تعبیر می‌شود. این در حالی است که فوکویاما در کتاب پایان تاریخ و آخرین انسان اذعان می‌کند جهان سوم هنوز در تاریخ فرورفته تا حدی که در تحول ایدئولوژیک جهان امروز و فردا هیچ نقشی ندارد و لذا در این بخش دنیا هم نظام لیبرال دموکراسی هم‌اوردی نخواهد داشت، ضمن آنکه معتقد است: «فرهنگ غربی ارزش‌های حاکم را بر کشورهای دیگر را جهت می‌دهد و این ارزش‌ها به ابزار تصویرگری جهان در میان توده‌ها و نخبه‌های جهان سوم تبدیل شده است.» درحالی‌که نسبت به انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان احیاگر تمدن اسلامی و جریان اسلامی نگاه هراس‌انگیزی دارد.

او در کتاب نظم و زوال سیاسی متذکر می‌شود که در اوایل قرن بیست و یکم، انواعی از حکومت‌ها وجود دارند که خود را بدیل‌ترین و اصیل‌ترین جایگزین لیبرال دموکراسی می‌دانند. وی در این راستا از ایران در کنار چین و روسیه نام می‌برد. (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۳۷۳) به‌عبارت‌دیگر، او نه تنها دموکراسی لیبرال را نهایت تاریخ فرض نمی‌کند که معتقد است الگوی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بدیلی برای نظام‌های غربی باشد. این هراس‌انگیزی، مقدمه‌ی مواضع گوناگونی است که وی در سخنان خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران داشته است. گویا قدرت فرهنگی و تمدنی اسلام که جمهوری اسلامی ایران طلایه دار آن است فوکویاما را به باور رسانده است که تهدید برای تمدن غرب جدی است. از این رو همگام با دولت متبوع خود علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کرده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

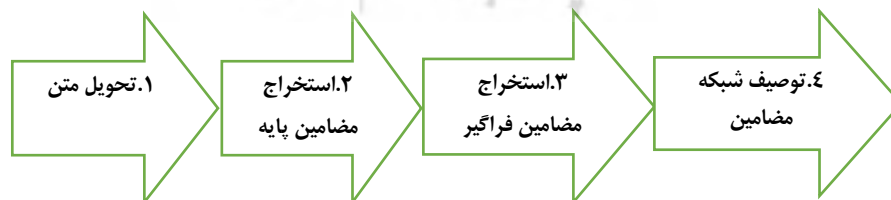
۲.۱. تحلیل مضمون

تحلیل مضمون یکی از روش‌های کیفی کارآمد و مؤثر برای شناخت و تحلیل داده‌های متنی پراکنده است. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳) در تحلیل مضمون واحد تحلیل

بیشتر از یک کلمه است و بر شناخت توضیح ایده‌های صریح و ضمنی پرداخته می‌شود. سپس از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود؛ درنهایت از فراوانی نسبی مضامین برای ترسیم شبکه مضامین استفاده می‌شود. (همان، ۱۵۷) شبکه مضامین، براساس روندی واضح، مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر متشکل از اصول حاکم بر متن را به‌مثابه کل را نظام‌مند می‌کند. سپس این مضامین به‌صورت شبکه‌ای، رسم و مضامین و ارتباط بین آن‌ها ترسیم می‌شود. (همان، ۱۷۰)

درمجموع می‌توان گفت، روش تحلیل مضمون ازجمله روش‌های غیر مداخله‌ای و غیر واکنشی است که مهم‌ترین کار آن دسته‌بندی مفاهیم است. (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۱) تحلیل مضمون ویژگی‌هایی در مقایسه با دیگر روش‌های کیفی دارد. به‌عنوان نمونه، برخلاف روش‌های تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا، تحلیل مضمون به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد که به زبان به کار گرفته‌شده در متن ادعایی داشته باشد. هر چند انعطاف‌پذیری مزیت تحلیل مضمون است، اما برخلاف روش تحلیل روایت، محقق حالت استمرار و تناقض میان داده‌ها را نمی‌تواند حفظ کند و ممکن است این ناهمخوانی‌ها و تناقض‌های میان داده‌ها نشان داده شود. (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴)

درمجموع تحلیل مضمون شامل مراحل: ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای ۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر ۳. کشف و توصیف شبکه مضامین است. (همان، ۵۷) لازم به ذکر است که این روش از سوی ریچارد بویاتزیس در سال ۱۹۹۸ در کتاب تبدیل اطلاعات کیفی و تحلیل مضمون و تدوین کد به‌طور کامل ارائه شده است. کاربرد این روش به‌طور خلاصه عبارت از: ۱. شناسایی (دیدن متن) ۲. نمونه‌برداری (برداشت مناسب از داده‌های ظاهراً نامرتب) ۳. دسته‌بندی و پوسته‌پوسته کردن (مشاهده نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت، سازمان فرهنگ یا متن) (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳) با توجه به مطالب گفته‌شده، مراحل تحلیل مضمون مطابق با شکل زیر است:



نمودار شماره ۱. مراحل تحلیل مضمون

۲.۲. تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای

شروع روند پژوهشی با تحویل متن آغاز می‌شود. در این مرحله نقل قول‌های مورد تأکید و صحیح فوکویاما درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران استخراج می‌شود. سپس این مضامین در کدهایی سازمان‌دهی خواهند شد که با عنوان مضامین پایه‌ای شناخته می‌شوند. بدیهی است که اگر روند استخراج مضامین پایه‌ای به‌درستی انجام نشود، ایجاد شبکه مضامین فراگیر دشوار خواهد شد. هر چند نقل قول‌های استخراج‌شده از فوکویاما، کلیدواژه‌هایی را به ذهن متبادر خواهد ساخت که زمینه‌های ورود به مرحله دوم فراهم می‌شود.

جدول شماره ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه سخنان فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

ردیف	نقل قول	مضامین پایه
۱	ایران به خاطر تنش‌های اجتماعی که بین نسل‌های این کشور وجود دارد به سمت یک بحران در حرکت است	شکاف نسلی در ایران بحرانی‌تر می‌شود.
۲	در ایران، یک انقلاب اجتماعی زیرپوست جامعه در حال گسترش است	جامعه ایران در حال دگرگونی بنیادین است.
۳	در ایران جمعیت جوان و تحصیل‌کرده خصوصاً در بین زنان، با ساختار قدرت محافظه‌کار و روستایی که بر کشور حاکم است سر سازگاری ندارد.	شکاف میان جوانان و زنان با حکومت اسلامی ایران عمیق و جدی است.
۴	ایران به سمت نوعی انفجار در حرکت است و من مطمئن نیستم نتیجه‌اش چه می‌شود	جمهوری اسلامی ایران به‌سوی بی‌ثباتی و آنا‌رشی در حرکت است.
۵	وضعیت ایران وضعیت باثباتی نیست.	ایران در وضعیت شکننده قرار دارد.
۶	بسیاری از ناآرامی‌های اخیر ایران ریشه‌های محیط زیستی داشت.	چالش‌های زیست‌محیطی در ایران سیاسی و امنیتی شده است.
۷	مشکلات داخلی ایران مانع از جهانی‌شدن الگوی تبلیغی جمهوری اسلامی ایران است.	الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران کاهش یافته است.
۸	چرخه‌ی دموکراسی در ایران بسته شده است.	توسعه سیاسی در ایران متوقف شده است.
۹	ایران یک دموکراسی لیبرال نیست	ایران یک دموکراسی لیبرال نیست.
۱۰	با توجه به تظاهرات گسترده، ما باید خواستار چه نوع از آینده‌ای برای ایران باشیم؟ اولویت خود من برای ایران این خواهد بود که یک روزی این کشور قانون اساسی جدی و با	بهترین شاگله نظام سیاسی برای ایران دموکراسی سکولار است.

	سبک غربی برگزیند که در آن آزادی مذهبی و یک دولت سکولار تضمین شده باشد	
۱۱	مفاد ۱۰۷ تا ۱۱۲ قانون اساسی ایران اختیارات وسیعی را برای رهبر و نهادهای انتصابی مثل شورای نگهبان تعیین می کند.	برخی اصول قانون اساسی ایران دارای جنبه های تمرکزگرا و محدودکننده مردم سالاری است.
۱۲	حذف کامل مذهب از قانون اساسی ایران کار بسیار دشواری است.	تحقق سکولاریزم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دشوار است.
۱۳	حاکمیت قانون نه فقط به خاطر کیفیت های رسمی و قانونی آن غالب شده و برتری می یابد بلکه به این خاطر که این موضوع تا حد زیادی نمایانگر هنجارهای اجتماعی هم هست. اگر حاکمان آینده ایران خواهان احترام به حاکمیت قانون هستند باید قانونی را در برگیرند که از قلب های مردم ایران بیرون می آید. شاید روزی برسد که شاهد قانونی کاملاً سکولار باشیم اما این موضوع امروز بعید است	تحقق سکولاریزم در ایران در بلندمدت محتمل اما در کوتاه مدت مقدور نیست.
۱۴	باید امیدوار باشیم که نیروهای داخلی ایران به تغییر و تکامل سیستم سیاسی به سمت یک دموکراسی واقعی فشار بیاورند	نیروهای داخلی ایران می توانند در دموکراتیک شدن قدرت مؤثر باشند.
۱۵	اگر تنها گزینه ای که روی میز قرار می دهیم این است که ما با شما مذاکره خواهیم کرد، پس قطعاً این اتفاق نخواهد افتاد. آنچه ایرانیان مدت ها است به دنبال آن هستند، یک مذاکره بزرگ است: آمریکا انکار کند که به دنبال تغییر رژیم ایران است و مشروعیت قانونی جمهوری اسلامی را بپذیرد، موقعیت منطقه ای ایران را بازگرداند و به دنبال روابط دیپلماتیک کامل باشد.	ایران در پی اهداف حداکثری از مذاکره است و تحقق مذاکره با ایران توأمان نیازمند دیپلماسی و فشار است
۱۶	بیشتر مؤلفه های خداگرایانه تشکیل دهنده ایران با بسیاری از حکومت های دموکراتیک سازگاری ندارد	ماهیت دینی جمهوری اسلامی با دموکراسی های سکولار سازگار نیست.
۱۷	ایران می تواند به سمت یک عدالت حقیقی در قالب انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ حرکت کند.	انقلاب اسلامی قابلیت تحقق عدالت را در ایران را دارد.
۱۸	ایران در حال تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای بوده و در حال دستیابی به برنامه هسته ای است.	ایران قدرت منطقه ای و هسته ای است.
۱۹	ایران امروز چالش های عظیمی با آمریکا و دوستان آمریکا در	ایران با ائتلاف آمریکا در منطقه

منطقه دارد.	تضاد عمیق دارد.
۲۰	ایران کشوری است که از لحاظ تاریخی بسیار ریشه‌دار بوده و توان بالا بردن قیمت انرژی در جهان را نیز دارا می‌باشد.
۲۱	کاملاً محرز است که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است هرچند که ظاهراً اهداف صلح‌آمیز را دنبال می‌کند؛ انرژی هسته‌ای نمی‌تواند برای کشوری که روی ذخایر عظیم نفتی نشسته است معنای زیادی داشته باشد؛ اما در صورت حرکت به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای معنا پیدا می‌کند. این برای ایرانیان کاملاً خردمندانه است که به این نتیجه برسند که بدون داشتن بمبی که همه دارند، در رنج خواهند بود.
۲۲	تاریخ به پایان نرسیده است، زیرا کشورهایی چون ایران، از وضع موجود راضی نیستند و همین باعث حرکت آنان به سمت ایجاد تغییر در جهان خواهد شد.
۲۳	اسلام تنها دین فرهنگی است که مدرنیته غربی را تهدید می‌کند
۲۴	دولت آمریکا در حمله نظامی به ایران، منزوی‌تر خواهد شد حمله هوایی به احتمال زیاد باعث افزایش حمایت از حکومت ایران خواهد شد، نه سقوط آن و همچنین باعث تحریک حملات علیه اهداف آمریکایی و متحدانش در سراسر جهان خواهد شد.
۲۵	حکومت اسلامی حاکم بر ایران خطمشی تهاجمی در پیش گرفته است
۲۶	انقلاب اسلامی ایران احیای بنیادگرایی اسلامی است
۲۷	این یک حقیقت است که اسلام یک ایدئولوژی نظام‌مند و منسجم را درست شبیه لیبرالیسم و کمونیسم با قوانین اخلاقی و نظریه‌های اخلاقی و اجتماعی خاص خویش را ارائه می‌دهد. اسلام در واقع لیبرال دموکراسی را در بخش‌های زیادی از جهان اسلام شکست داده است و تهدید جدی علیه فعالیت‌های لیبرالی حتی در کشورهایی که به‌طور مستقیم به قدرت سیاسی دست نیافته‌اند می‌باشد.
۲۸	احیای بنیادگرایی اسلامی در حال نوردیدن کلیه کشورهای
	بنیادگرایی اسلامی واکنش جوامع

مسلمان به ضعف در برابر غرب و قدرت و برتری آن است.	است که دارای جمعیت قابل توجه مسلمانان هستند. در کل می توان آن را واکنشی نسبت به شکست جوامع اسلامی در حفظ عظمت و شکوه خود در برابر و در مقایسه با جوامع غیر اسلامی غربی ارزیابی کرد.
جمهوری اسلامی تلفیقی از تئوکراسی، مردم سالاری و اقتدارگرایی است.	جمهوری اسلامی ایران را شاید نتوان یک نظام خودکامه توصیف کرد چون در این نظام عرصه های رأی گیری صورت می گیرد برخی حکومت ایران را یک نظام انتخاباتی اقتدارگرایانه می دانند و برخی با اتکا به مضمون قانون اساسی معتقدند که جمهوری اسلامی یک تئوکراسی قرون وسطایی است.
قانون اساسی جمهوری اسلامی تلفیقی از عناصر استبدادی، تئوکراتیک و دموکراتیک است.	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجموعه ای است از عناصر استبدادی، تئوکراتیک و دموکراتیک.
قانون اساسی مطلوب برای ایران باید حامی دموکراسی سکولار باشد.	در ایران باید قانون اساسی براساس مدل غربی حاکم شود که آن آزادی مذهبی، دولتی سکولار حق حاکمیت مردم و نه خدا و دین به رسمیت شناخته شود.
قانون اساسی دارای ظرفیت لازم برای حاکمیت مردم و دموکراسی است.	قانون اساسی ایران ظرفیت های لازم برای تبدیل شدن به راهنمایی جهت استقرار حاکمیت قانون و موازین دموکراتیک را دارا است.

۳.۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

مضامین فراگیر نسبت به مضامین پایه جامع تر است. از این رو امکان ترسیم و توصیف شبکه مضامین را فراهم می کند. اقدام اساسی در این مرحله، سازمان دهی مجدد مضامین پایه برای ارائه مضامین انتزاعی تر است، این امر زمینه ای احصا و چینش مضامین فراگیر را فراهم می کند. به این ترتیب، کدهای عام و مضامین پایه سخنان فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران به مضامین سازمان دهنده تبدیل می شوند تا بستر شبکه توصیف مضامین آماده شود.

جدول شماره ۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

ردیف	مضامین پایه	مضامین فراگیر
۱	شکاف نسلی در ایران بحرانی تر می شود	توسعه شکاف و توان تغییر سیاسی
۲	شکاف میان جوانان و زنان با حکومت اسلامی ایران عمیق و جدی است.	در جمهوری اسلامی ایران

	نیروهای داخلی ایران می‌توانند در دموکراتیک شدن قدرت مؤثر باشند.	۳
فراگیری و گسترش بی‌ثباتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران	جمهوری اسلامی ایران به سوی بی‌ثباتی و آناارشی در حرکت است.	۴
	جامعه ایران در حال دگرگونی بنیادین است.	۵
	ایران در وضعیت شکننده قرار دارد.	۶
بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	چالش‌های زیست‌محیطی در ایران سیاسی و امنیتی شده است.	۷
	توسعه سیاسی در ایران متوقف شده است.	۸
تمرکزگرایی و ضعف دموکراسی در ساختار جمهوری اسلامی ایران	ایران یک دموکراسی لیبرال نیست	۹
	بهترین شاگله نظام سیاسی برای ایران دموکراسی سکولار است.	۱۰
	برخی اصول قانون اساسی ایران دارای جنبه‌های تمرکزگرا و محدودکننده مردم‌سالاری است.	۱۱
	ماهیت دینی جمهوری اسلامی با دموکراسی‌های سکولار سازگار نیست.	۱۲
	تحقق سکولاریزم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دشوار است.	۱۳
	جمهوری اسلامی تلفیقی از تئوکراسی، مردم‌سالاری و اقتدارگرایی است.	۱۴
	قانون اساسی جمهوری اسلامی تلفیقی از عناصر استبدادی، تئوکراتیک و دموکراتیک است.	۱۵
	قانون اساسی مطلوب برای ایران باید حامی دموکراسی سکولار باشد.	۱۶
	قانون اساسی دارای ظرفیت لازم برای حاکمیت مردم و دموکراسی است.	۱۷
	ایران در پی اهداف حداکثری از مذاکره است و تحقق مذاکره با ایران توأمان نیازمند دیپلماسی و فشار است	۱۸
ایران قدرت منطقه‌ای و هسته‌ای است.	۱۹	
هویت تاریخی و منابع انرژی از مؤلفه‌های قدرت ایران است.	۲۰	
راهکار مقابله و مهار با ایران برخورد سخت نظامی نیست	۲۱	
اسلام برای مدرنیته تهدیدی جدی است.	۲۲	

تحول‌خواهی و تهدید زایی جمهوری اسلامی ایران	۲۳	ایران با ائتلاف آمریکا در منطقه تضاد عمیق دارد.
	۲۴	ایران در پی سلاح هسته‌ای است و این سلاح می‌تواند سبب کاهش فشار و اطمینان خاطر شود.
	۲۵	ایران به دنبال تغییر نظم موجود است
	۲۶	امکان ایجاد نظم جدید توسط کشورهای تحول‌خواهی چون ایران وجود دارد.
انقلاب اسلامی ایران تهدید و رقیب جدی برای دموکراسی لیبرال غربی	۲۷	اسلام رقیب و تهدیدی جدی برای لیبرال دموکراسی غربی است.
	۲۸	انقلاب اسلامی ایران احیاگر بنیادگرایی اسلامی است.
	۲۹	بنیادگرایی اسلامی واکنش جوامع مسلمان به ضعف در برابر غرب و قدرت و برتری آن است.
ضرورت برنامه‌ریزی برای تحقق سکولاریزم در بلندمدت	۳۰	الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران کاهش‌یافته است.
	۳۱	تحقق سکولاریزم در ایران در بلندمدت محتمل اما در کوتاه‌مدت مقدور نیست.
	۳۲	انقلاب اسلامی قابلیت تحقق عدالت را در ایران را دارد.

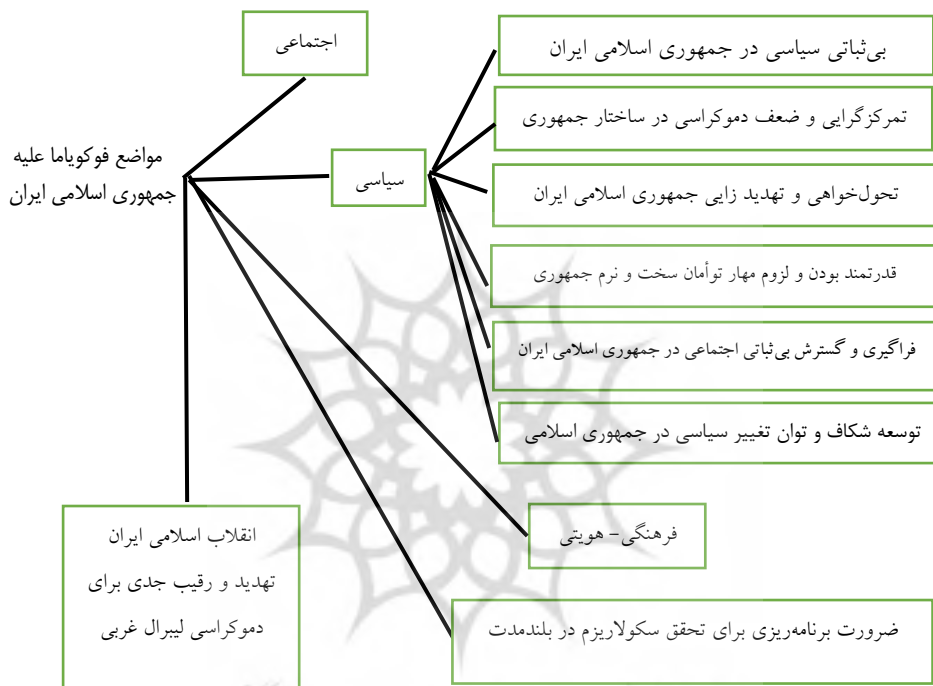
۴.۲. توصیف شبکه مضامین

پس از استخراج مضامین پایه و فراگیر در مراحل اول و دوم، مرحله شبکه‌سازی مضامین اصلی سخنان فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌شود. در این راستا با بررسی کدگذاری‌های لازم شبکه مضامین تشریح می‌شود.

جدول شماره ۳. ریشه‌های فکری موضع‌گیری فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

حوزه فکری	کدها و مضامین سازمان دهنده	ردیف
اجتماعی	توسعه شکاف و توان تغییر سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۱
	فراگیری و گسترش بی‌ثباتی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران	۲
سیاسی	بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۳
	تمرکزگرایی و ضعف دموکراسی در ساختار جمهوری اسلامی ایران	۴
	قدرتمند بودن و لزوم مهار توأمان سخت و نرم جمهوری اسلامی ایران	۵
	تحول‌خواهی و تهدیدزایی جمهوری اسلامی ایران	۶
فرهنگی - هویتی	انقلاب اسلامی ایران تهدید و رقیب جدی برای دموکراسی لیبرال غربی	۷
	ضرورت برنامه‌ریزی برای تحقق سکولاریزم در بلندمدت	۸

پس از چینش مضامین پایه و مضامین فراگیر و تقسیم مضامین در قالب رویکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - هویتی، شبکه مضامین که نشانگر تحلیل مضمون است ترسیم می‌شود:



نمودار شماره ۲. شبکه مضامین مواضع فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

۳. بررسی و تحلیل یافته‌های پژوهش

۳.۱. مواضع سیاسی فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

فرانسیس فوکویاما در سخنان خود علیه خود جمهوری اسلامی ایران سعی در القای این مسئله دارد که مردم‌سالاری دینی و نوع نظام سیاسی موجود در ایران با مدل دموکراسی لیبرال فاصله دارد. بدیهی است که القای بی‌ثباتی سیاسی و ضعف پایه‌های مردم‌گرایی درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران نوعی مقابله با اهداف اعلام‌شده‌ی انقلاب اسلامی ایران است. از نگاهی دیگر، موضع‌گیری فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران حاکی از نوعی ضعف

معرفتی نسبت به آرمان و اهداف انقلاب اسلامی یا نوعی اقرار به ضعف دموکراسی لیبرال در برابر اهداف انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. این در حالی است که آرمان انقلاب اسلامی شامل مجموع مفاهیم مثبت سایر آرمان‌های انقلابی است؛ چراکه انقلاب اسلامی مفاهیمی همچون استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در چارچوب حکومت دینی در دنیای مادی‌گرای معاصر مطرح نمود و موجب غافل‌گیری صاحب‌نظران و متفکران جهانی شد. (اسکاچپول، ۱۳۷۷: ۱۸۶) این جامعیت خود باعث واکنش‌هایی همچون بدفهمی، شگفتی و غافلگیری تحلیلگران می‌شود.

در مجموع مواضع سیاسی فوکویاما نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در دو بخش قابل بررسی است؛ نخست؛ القای بی‌ثباتی سیاسی و همچنین، بسته و تمرکزگرا بودن نظام جمهوری اسلامی ایران و دوم؛ اذعان به قدرتمندی و تحول‌خواهی ایران و لزوم مقابله‌ی سخت و نرم با آن.

الف) القای بی‌ثباتی سیاسی و نظام سیاسی بسته و تمرکزگرا

رویکرد فوکویاما درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران، موضوع جدیدی در ادبیات سیاسی نیست، چراکه دولتمردان آمریکایی و دیگر متفکرین همچون کیسینجر و هانتینگتون بارها مواضعی منفی علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند. (ثابتی مفرد و نجفی، ۱۳۹۹: ۱۱۰) و چه بسا متفکرین دیگری نیز باشند که به دلیل تقابل ایران و آمریکا همواره سعی در القای ضعف جمهوری اسلامی ایران دارند. این رویکرد به نوعی مبارزه‌ی نرم تلقی می‌شود که می‌تواند با فراوری رسانه‌ای، زمینه‌ی تغذیه‌ی فکری و همسوئی اندیشه‌ای مخالفان داخلی جمهوری اسلامی را تا حدی فراهم کند، آن‌گونه که در سال‌های اخیر فوکویاما و نظریات وی در ایران شناخته‌شده و مورد استقبال طیف وسیعی از نخبگان قرار گرفته است. اما رویکرد اصلی فوکویاما صرفاً نوعی تقابل سیاسی و تهاجم رسانه‌ای نیست بلکه این متفکر آمریکایی همراه با حفظ آرای خود مبنی بر بی‌رقیب بودن دموکراسی لیبرال، سعی در القای این مطلب دارد که نظام سیاسی ایران با این الگو هماهنگ نبوده و بهترین شاکله‌ی سیاسی برای ایران، دموکراسی از نوع غربی است. نکته‌ی دیگر این‌که اگرچه این متفکر ۲۰ سال بعد از طرح نظریه پایان تاریخ، به زوال دموکراسی‌های غربی اذعان کرد، اما هنوز معتقد است این الگو برای دولت‌ها و جوامع، بی‌بدیل است. اما آنچه فوکویاما به آن نمی‌پردازد نوعی برتری و تمایز نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه همچون دموکراسی‌های غربی درگیر بحران هویت باطنی نشده و با وجود چالش‌های داخلی، به واسطه‌ی ریشه دین‌باوری و

سنت‌ها و فرهنگ عمیق موردقبول مردم است. به عبارتی دین و مذهب جزء اصول اساسی انقلاب اسلامی است و با تکیه بر این آموزه‌ها، نظام سیاسی جمهوری اسلامی در مقابل مشکلات ایستادگی کرده است. (جعفری پناه و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

نکته‌ی دیگر اینکه انقلاب اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، انتخاب مردم بوده است و از این رو به سادگی در بستر جایگزین‌های دیگر از جانب مردم کنار گذاشته نمی‌شود. به عبارتی کنشی اجتماعی و دستاورد خود مردم است. (پورآرین، ۱۳۸۷: ۲۳) اما مواضع فوکویاما در این رویکرد سیاسی القای این مطلب است که بهترین جایگزین برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی، لیبرال دموکراسی است.

ب) تأکید بر قدرتمندی و تحول‌خواهی ایران و لزوم مقابله‌ی سخت و نرم با آن

فوکویاما در کتاب نظم و زوال سیاسی، به قدرت ایران در برابر ابرقدرت آمریکا اشاره می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۴۰۲)، ضمن این‌که در سخنان خود بر لزوم مقابله با این قدرت‌گیری و قدرتمندی تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد که سخنان فوکویاما به‌عنوان یک استراتژیست، حاوی چند نکته باشد؛ نخست اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و در واقع مردمی‌ترین انقلاب‌ها بوده است که توجه ملت‌ها را به خود جلب نموده و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. (مرادی و محمدی خانقاهی، ۱۳۹۹: ۵۱) همین امر باعث کاربرد لفظ تحول‌خواهی یا ایجادگر نظم دیگر جهانی از جانب فوکویاما برای ایران است.

نکته دیگر اینکه جمهوری اسلامی ایران در تقابل با غرب، نگاه به شرق را استراتژی اصلی خود می‌داند؛ روابط دوجانبه مطلوب با چین و روسیه - به‌عنوان قدرت‌هایی که در مقابل آمریکا ایستاده‌اند و ابرقدرت‌های آینده هستند - این مسئله را یادآوری می‌کند. (عزیزی و حمیدفر، ۱۳۹۸: ۳۸۵) بدیهی است این سطح از همکاری می‌تواند تحریم‌های یکجانبه علیه ایران را کم اثر نماید.

سرانجام اینکه ایران توانسته به‌عنوان قدرت بازدارنده‌ای شناخته شود که تهدیدی علیه منافع آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه باشد (مرادی و محمدی خانقاهی، همان، ۶۲)، تهدیدی که می‌تواند زاویه نگاه ابرقدرت آمریکا را دچار چالش کند و حتی آن را از منطقه به عقب براند، ضمن اینکه ایران در کنار قدرت‌هایی همچون چین و روسیه می‌تواند به تحول نظم جهانی و شکل‌گیری نظم چندقطبی اقدام کند و تداوم یکجانبه‌گرایی آمریکا و جهان

تک‌قطبی را به چالش بکشد. از این رو فوکویاما هم ایران را به‌نوعی دگرخواه و تحول‌خواه معرفی نموده، هم تهدیدی علیه منافع غرب و مدافعان لیبرال دموکراسی قلمداد کرده است.

۲.۳. مواضع اجتماعی فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

موضع‌گیری فوکویاما درباره‌ی شاکله‌ی اجتماعی ایران، در قالب رویکرد سیاسی وی نیز قابل تحلیل است. ادعای فروپاشی اجتماعی در ایران، شکاف اجتماعی یا بی‌ثباتی اجتماعی، نشان‌دهنده‌ی نوعی موضع‌گیری و القای وجود بحران است. فوکویاما معتقد است با وجودی که ایران در منطقه و جهان روبه سوی قدرت‌گیری و توسعه نفوذ قرار دارد، اما در داخل دچار بحران اجتماعی و بی‌ثباتی است. فوکویاما سعی در القای این دارد که دولتی تحول‌خواه و قدرتمند همچون ایران باید ابتدا ضعف داخلی و بی‌ثباتی اجتماعی را رسیدگی کند. به عبارتی وی سعی دارد نوعی توسعه نامتوازن و عدم همگرایی بین سیاست‌گذاری‌های داخلی و روش سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نمایان سازد. در قالب این رویکرد، فوکویاما در قامت یک آینده‌اندیش یا آینده‌پژوه ظاهر نمی‌شود، بلکه نوعی تقابل با جمهوری اسلامی ایران را مدنظر دارد. البته طرح این گزاره‌ها به‌طور معمول از سوی محافل لیبرالی و سکولار، اپوزیسیون و طرفداران براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران پی گرفته می‌شود. اما چون این متفکر چند سالی است از جانب محافل رسانه‌ای و دانشگاهی داخل ایران شناخته‌شده و حتی مورد استناد قرار گرفته است (به‌عنوان نمونه رحمان قهرمانپور، مترجم کتاب نظم و زوال سیاسی معتقد است: حرف‌های فوکویاما در کتاب نظم و زوال سیاسی را باید جدی گرفت. (قهرمانپور، ۱۳۹۶) نظراتش با فرآوری رسانه‌ای و به شکل هدفمند، در حوزه‌ی افکار عمومی داخلی نشر می‌گردد.

۳.۳. مواضع فرهنگی - هویتی فوکویاما علیه جمهوری اسلامی ایران

فوکویاما بعد از عقب‌نشینی از نظریه‌ی پایان تاریخ، مسئله زوال دموکراسی‌ها را بیان می‌کند. وی در کتاب هویت؛ تقاضای کرامت و سیاست نفرت، نسبت به مسئله هویت در جوامع غربی یعنی همان‌جایی که وی بهترین الگوی نظام سیاسی را برای دیگر ملل تصویر کرده است واکنش نشان می‌دهد. وی مسئله‌ی مهاجران و آوارگان را بزرگ‌ترین چالش سیاست‌گذاران پیشروی هویت ملی غربی و آمریکایی می‌داند. (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۱۲۲)

در این حال باید اشاره نمود، چالش هویتی و فرهنگی که این متفکر برای جوامع غربی تصویر کرده است درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران صدق نمی‌کند؛ چراکه دین و دین‌باوری در ایران، کارکرد وحدت‌بخش و ارتقای سرمایه اجتماعی را دارد. به عبارتی خدامحوری و دین‌باوری بستر انباشت سرمایه اجتماعی است. (مکیان و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۱) به باور دیگر در حالی نسخه سکولاریزم در ابعاد هویتی و فرهنگی برای ایران تجویز می‌شود که دین بسیار کارآمدتر، می‌تواند چالش‌هایی که جوامع سکولار غرب حل نکرده‌اند را حل کند. این یعنی دین‌باوری و خدامحوری می‌تواند زمینه‌ی افزایش مشارکت سیاسی و تقویت هنجارهای مدنی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران باشد. (ابوالحسنی، ۱۳۹۲: ۶۶)

البته در ایران چالش‌های هویتی مانند مسائل زنان و هویت‌های قومی و گروهی وجود دارد، اما در بستر دین همواره حفظ کرامت انسان و جایگاه انسانیت مورد تأکید است. فوکویاما در کتاب نظم و زوال سیاسی این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد، جوامعی که سنت‌های قوی و نهادینه دارند کمتر دستخوش دگرگونی می‌شوند و آسیب می‌بینند. وی عقیده دارد: «دموکراسی در مناطقی موفق است و پایدار می‌ماند که بتواند همسو با الگوها و سبک بومی و سنتی باشد». با طرح این گزاره‌ها به نظر می‌رسد که در مواضع فوکویاما نسبت به ایران و جهت‌گیری‌های دیگر، نوعی تناقض‌گویی وجود دارد. شاید به همین دلیل باشد که رهبر معظم انقلاب، فوکویاما را نظریه‌پرداز سرگردان می‌دانند. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۵/۸) ضمن در نظر گرفتن این موارد، خطوط فکری فوکویاما در چارچوب رویکرد فرهنگی و هویتی از دو منظر قابل بررسی است:

الف) تأکید بر تحقق سکولاریزم در بلندمدت

فوکویاما معتقد است امکان تحقق سکولاریزم در جامعه ایرانی وجود دارد، با این حال در طرح این ادعای او چند نکته باید مورد واکاوی قرار گیرد: نخست اینکه ممکن است مظاهر سکولاریزم در جامعه دیده شود، اما جامعه‌ی ایرانی همراه با هویت دینی و فرهنگ ایرانی و اسلامی عجین و عمیق شده است و جلوه‌های دینی در فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی همواره مستحکم است. (دارابی و مطلبی، ۱۳۹۸: ۶۷) این مسئله باعث می‌شود تا در کوچک‌ترین رویدادی که علیه انقلاب اسلامی ایران رخ دهد انسجام مردمی خود را در معرض نمایش گذارد. رویه‌ای که باور دینی بستر آن است.

در مجموع، فوکویاما در پارادایم فکری خود، تنها سکولاریزم را راه رهایی و آزادی انسان می‌داند، در صورتی که در قالب رویکرد اسلامی رهایی انسان در ارتباط با خداوند و دین تعریف می‌شود. از اساس، وقوع انقلاب اسلامی ایران و جریان‌های اسلام‌گرا در گوشه و کنار دنیا حاکی از این مهم دارد که دین هنوز از قدرت نقش‌آفرینی زیادی برخوردار است و به احتمال زیاد در آینده نیز شاهد گسترش بیشتر آن خواهیم بود. (نوروزی، ۱۳۹۰: ۸۷)

نکته دیگر اینکه نوع تفکر غربی در جایی که با منافعش در تضاد باشد، قائل به عمیق نگریستن نیست و تنها روبنای رویدادها را ملاک قرار می‌دهد، از این رو، منافع موجب می‌شود تا با دیدن تنها نمونه‌ای در جامعه، رأی به جامعیت دهد. تحولات چند سده‌ی اخیر در بطن مدرنیته و حذف دین از الگوی عملی جوامع غربی و به حاشیه رفتن آن باعث نگاه سطحی و خالی از معنویت به امور از جانب تحلیل‌گران غربی نیز شده است. (نوروزی، همان) بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که نگاه جامعه‌شناختی فوکویاما نگاهی عمیق و همه‌جانبه بین نیست بلکه، در راستای منافع و رویکرد سیاسی غرب تعریف می‌شود؛ نکته دیگر اینکه اسلام هراسی وی و تأکید بر ایران به عنوان احیاگر اسلامی تلاشی را در بیان وی ایجاد کرده که با ابزار تجویز سکولاریزم نوعی تقابل نرم را با جمهوری اسلامی ایجاد کند.

ب) انقلاب اسلامی ایران تهدید و رقیب جدی برای دموکراسی لیبرال غربی

رویکرد کلی فوکویاما در سخنان خود اشاره به دو محور دارد: نخست قدرت‌گیری ایران و دوم خطر اسلام برای دموکراسی‌های غربی. فوکویاما در عین باور به اینکه دموکراسی غربی دچار افول و سردرگمی است، آن را در مقابل اسلام قرار می‌دهد تا هویت از دست‌رفته این گرایش فکری بازبانی شود. در این راستا با مطرح کردن مباحثی مانند خطر اسلام و احیاگری اسلامی از جانب ایران (فوکویاما، ۱۳۹۵: ۱۰۴) می‌خواهد دو هویت را در مقابل هم قرار دهد، هویتی ایرانی و اسلامی و هویتی غربی و لیبرال. بنابراین برای تخریب هویت اسلامی و ایرانی، سعی در نشانه رفتن بنیان‌های اسلامی دارد و از ایران به عنوان چالش‌گر دموکراسی غربی یاد می‌کند.

کلام آخر

نوشتار حاضر، به بررسی مواضع فوکویاما نسبت به جمهوری اسلامی ایران پرداخت. نقاط محوری سخنان این متفکر آمریکایی در سه دسته‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - هویتی مورد تحلیل قرار گرفت. براساس آنچه شرحش رفت، فوکویاما شاکله‌ی جمهوری اسلامی

ایران را قدرتی در حال صعود، تحول‌خواه و تهدیدی برای مواضع قدرت‌های غربی تلقی می‌کند؛ درعین حال معتقد است، انقلاب اسلامی رقیبی برای دموکراسی لیبرال غربی است. دموکراسی لیبرالی که از نگاه وی در حال فروپاشی است و اگر با انقلاب اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مقابله نشود برای منافع غربی تهدیدی جدی خواهد بود. او با بیان سخنانی درباره‌ی بی‌ثباتی اجتماعی در ایران و آشوب در جامعه ایرانی سعی در القای ضعف داخلی جمهوری اسلامی ایران دارد، وضعی که از نگاه این متفکر می‌تواند ناشی از دوگانگی‌های فرهنگی و هویتی با نظام حاکمیتی باشد. از این رو معتقد است سکولاریزم در جامعه ایران می‌تواند رسوخ کند، مکتبی که می‌تواند برای دگرخواهان و دگراندیشان مفید و برای مخالفان جمهوری اسلامی ایران روشی برای مقابله با انقلاب اسلامی باشد. در مجموع نگاه فوکویاما نشأت گرفته از یک رویکرد سیاسی و خصمانه است که در قالب تقابل و مبارزه‌ی نرم علیه جمهوری اسلامی ایران قابل‌پردازش و تحلیل است.

References

- Abrahamian, Yervand (2015), "History of Modern Iran", translated by Mohammad Ibrahim Fattahi, Tehran, Ney Publications. (in Persian)
- Skocpol, Theda (1998), "Rentier state and Shiite Islam of Iran", translated by Mohsen Aminzadeh, in the book "A Theoretical Approach to the Islamic Revolution", Qom, Vice Chancellery for Professors and Islamic Education Courses. (in Persian)
- Abolhassani, Seyed Rahim (2013), "Political Functions of Social Capital" Quarterly Journal of World Politics, Volume 2, Number 4, pp. 89-64. (in Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Revolution, message on the occasion of Hajj, August 29, 2016. (in Persian)
- Digard, Jean and Bernard Horkad and Yan Richard (1999), "Iran in the twentieth century", translated by Abdolreza Houshang Mahdavi, Tehran, Alborz Publications. (in Persian)
- Pourarin, Fouad (2008), "Contradictory results of Iran's dissatisfaction before and after the Islamic Revolution" *Matin Research Journal*, No. 41. (in Persian)
- Sabeti Monfared, Amir Hossein, Najafi, Musa (2020), "The Civilization Challenge of the Islamic Republic of Iran and the United States with Emphasis on the Theories of Kissinger, Huntington and Fukuyama",

Scientific Theory of Islamic Revolution Studies, Volume 17, Number 60, pp. 93-112. (in Persian)

Jafari Panah, Mehdi, Pour Ahmadi, Hossein (2013), "Soft power from the perspective of Islam and the application of its components in the Islamic Republic of Iran", Bi-Quarterly Journal of Soft Power Studies, Third Year, No. 8, pp. 98-112. (in Persian)

Khorramshad, Mohammad Baqir (1997), "The extent of the Islamic Revolution", Qom, Maaref Publications. (in Persian)

Darabi, Ali, Motalebi, Massoud (1398), "Explaining the religious components in the political culture of Iranian society after the Islamic Revolution", Social and Cultural Strategy Quarterly, Volume 8, Number 31, pp. 67-101. (in Persian)

Derakhsheh, Jalal et al. (2011), "content analysis of trust in Ayatollah Khamenei's thought", Quarterly Journal of Contemporary Political Studies, Volume 6, Number 17, pp. 53-72 (in Persian)

Sheikhzadeh, Mohammad and Abolhassan Faghihi, Mohammad Taslimi et al (2011), "Content analysis and content network: a simple and efficient way to explain the patterns in qualitative data", Strategic Management Thought, No. 5. No. 2, 10 to be published. (in Persian)

Sediq Sarvestani, Rahmatollah (1996), "Application of content analysis in social sciences", Social Sciences Letter, Volume 8, Number 8. (in Persian)

Gaziurovsky, Mark (1994), "American Foreign Policy and the Shah", translated by Jamshid Zanganeh, Tehran, Rasa Cultural Services Institute. (in Persian)

Fukuyama, Francis (2016), "The End of History and the Last Man", translated by Abbas Arabi and Zohreh Arabi, Tehran, Khankadeh. (in Persian)

Fukuyama, Francis (2007), "America at the Crossroads", Mojtaba Amiri Vahid, Ney Publication. (in Persian)

Fukuyama, Francis (2019), "Political Order and Decline", translated by Rahman Ghahramanpour, Tehran, Rozaneh Publications, Second Edition (in Persian)

Fukuyama, Francis (2019), "Identity; Demand for Dignity and the Politics of resentment ", translated by Loghman Kazempour, Tehran, Raman Sokhan Publications. (in Persian)

Ghahramanpour, Rahman, "Why should Fukuyama be taken seriously?" Iranian diplomacy, December 13, 2017, content code: 1973665. (in Persian)

Abedi Jafari, Hassan, Taslimi, Mohammad Saeed, Faghihi, Abolhassan, Sheikhzadeh, Mohammad (2011), "content Analysis and content Network: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data", Strategic Management Thought No. 5, No. 2, 10 in a row. (in Persian)

Azizi, Hamidreza, Hamidfar, Hamidreza (1398), "Motives for cooperation between Iran and Russia, Central Eurasian Studies", Volume 12, Number 2. (in Persian)

Amid Zanjani, Abbas Ali (2005), "Islamic Revolution and its roots", Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. (in Persian)

Motahari, Morteza (1999), "On the Islamic Revolution", Tehran, Sadra Publications. (in Persian)

Moradi, Abdullah, Mohammadi Khaneghahi, Mohsen (2020), "The image of the Islamic Revolution in the first step", Tehran, University and the Higher Institute of National Defense and Strategic Research. (in Persian)

Nasrollahi, Zahra, Makian, Nizamuddin, Eslami, Razieh (2015), "Social Capital and its Components in Islam", Islamic Economics and Banking Quarterly, No. 13. (in Persian)

Nowruz Firooz, Rasoul (2011), "problematic of the Place of Religion in International Relations", Journal of Political Science, Fourteenth Year, No. 56. (in Persian)